

دکتر محمدرضا هجانه

www.ketab.ir

دکتر حامد رفعت جو

سرشناسه: رفعت جو، حامد، ۱۳۵۴.

عنوان و نام پدید آور: در محضر هیجانه / نویسنده: حامد رفعت جو .

مشخصات نشر: اراک: نوای دانش، ۱۴۰۰.

مشخصات ضاهری: ۲۰۶ ص. شابک: ۵۰۰۰۰۰ ۹78-622-97790-4-0

وضعیت فهرست نویسی: فیا موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry – 20th century

رده بندی کنگره: ۸۳۴۵ PIR رده بندی دیویی: ۸۹۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۲۸۸۱۱ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

در محضر هیجانه

ناشر: نوای دانش / چاپ اول ۱۴۰۰

تایپ و صفحه آرایی: طیبه دری، سمانه کریمی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

فهرست مطالب

- ۲..... افتاده ایم در غم عشقت به دام ما
- ۴..... تا کجای می برد این قیمت اجناس مرا
- ۷..... آزرده کرد خودروم آخر جگر مرا
- ۱۳..... آنقدر پوشیدم این شلوار را
- ۱۴..... ای برادر بشنو از من یک نصیحت یک سری
- ۱۶..... ای طلبکار بیا
- ۱۸..... اینجا اداره است
- ۲۰..... با حکم تخلیه به تریلی چه حاجت است؟
- ۲۱..... بنده از خود در گریزم باز می خواهم چه کار
- ۲۷..... بیا چنان در میخانه باز است
- ۲۸..... باز هوای کویستم آرزوست
- ۳۰..... به دست ساقی ما ساغری نیست

- ۳۲..... بیا بیا که تو از صادرات ایرانی
- ۳۳..... بیا بیا که تو از صادرات ایامی
- ۳۵..... پدرم مرد غریبانه به شوق سر برج
- ۳۸..... بیری رسید آخر و من در گمان هنوز
- ۴۱..... ما را به غیر مرغ و فستجان نیاز نیست
- ۴۳..... جیره بندی می شود هر دم متاع تازه ای
- ۴۵..... چندی است تا سواهی بیکانم آرزوست
- ۴۷..... چندی است می گویند هم میهن
- ۴۹..... ای که به پیچ زلف خود اینهمه ناز می کنی
- ۵۱..... چند دو بیتی
- ۵۳..... در دل و جان جانمایم تا سرایم شعر طنر
- ۵۶..... دزد تورم آخر زد کیف بول مارا
- ۵۸..... دل جدا دلبر جدا اول جدا آخر جدا
- ۶۱..... دوش دل از نازنین دلبر سوالی کرده است

- دیدم به خواب دلبز هفتاد ساله را ۶۳
- رسید مژده سرانجام کار خواهم کرد ۶۶
- یاد نیک گل آقا ۷۱
- رفت یارم لیک دیگر برنگشت ۷۶
- روی آن چون روی ایمان است از کفار نیست ۷۸
- ز جور عشق او وایا حیدایا ۸۰
- ساقی بیا که طرف چمن شد مینری ۸۱
- محبوب خاطر دل شیدایی ای برنج ۸۴
- سالها در محفل ما ذکر حذف دود بود ۸۶
- سر برج است و مخلص دل غمین است ۸۸
- صد هزاران سال طی شد تا بشر آمد پدید ۹۰
- عشق و حالی نمودیم و شد ایامی چند ۹۴
- عکس می گیرم و در بیج خودم بگذارم ۹۶
- عمر ما بگذشت و شد تاجیز نسیر ۹۸

- ۹۹..... وقت آن شد شام خود حاضر کنیم
- ۱۰۲..... فلک با ما ســـــر یاری نداری
- ۱۰۳..... قرض و قروض ما که تواند شمار کرد
- ۱۰۵..... قرض های من
- ۱۰۷..... کارمندانه
- ۱۱۱..... کاش می شد برف را پارو کنیم
- ۱۱۳..... کجا از پی ات می کشم مرا
- ۱۱۴..... کلان شهردارا
- ۱۱۶..... کیست امروز او که شیدا نیست
- ۱۲۱..... گه قار و قور می کند و قور و قار نیز
- ۱۲۴..... لحظه افطار نزدیک است
- ۱۲۵..... ماشین که نیست این که مرا هست نگاری است
- ۱۲۹..... می خری جانم به قربانت هوايما چرا
- ۱۳۱..... کشمش

حیران ۱۳۲

نه من یکی شدم اندر جهان بالا تکلیف ۱۳۳

آن را که هست ، دلیر جمایش داده اند ۱۳۶

الحیب ۱۳۷

بک روز هوا و تب کارم به سر افتاد ۱۳۹

ارومیه و جوانی ۱۴۷

محلّی نویسرکانی ۱ ۱۵۲

محلّی نویسرکانی ۲ ۱۶۱

مهمل نامه ۱۶۳

مهمل نامه نو ۲۰۴